

سنگاب‌های اصفهان، هنر قدسی شیعه

عفت السادات افضل طوسی*

نسیم مانی**

چکیده

با برپایی سلسله صفویه، شیعیان فرصتی پیدا کردند تا عقاید دینی خود را آشکارا ابراز کنند و آثار فرهنگی، هنری جدیدی در این جهت شکل پیدا کرد. سنگاب یکی از این آثار است که اولین بار دوران صفویه در مساجد و معابر قرار گرفت و به نمادی از عقاید شیعه و یادآوری واقعه کربلا بدل شد. سنگاب قح بزرگ و سنگی است که از آن آب می‌نوشیدند. این مقاله به بررسی تزیینات سنگاب‌های اصفهان - مرکز حکومت صفویه می‌پردازد. در این مطالعه با روش تحلیلی و توصیفی به بررسی اسناد به دست آمده از مطالعه میدانی بر سنگاب‌های به جامانده در مرکز اصفهان و اسناد کتابخانه پرداخته می‌شود. از فرضیات این مطالعه ارتباط عقاید شیعه با نقوش و تزیینات روی سنگاب‌هاست. تزیینات این نمونه‌ها نشانگر جهت‌گیری به سمت هنری مقدس و با اهداف اعتقادی است که سنگاب را به اثری متجلی از علاقه و اعتقادات شیعه بدل کرده است. آنچه موضوع این مقاله قرار گرفته است بررسی سنگاب‌های اصفهان در دوره صفویه و قاجاریه با توجه به فرهنگ عاشورایی است. دولت صفویه تشیع را مذهب رسمی کشور اعلام کرد و در پی آن به حوادث عاشورا اهمیت داد. تأثیرات مذهب تشیع و فرهنگ عاشورا را در جای جای دولت صفویه و در اصفهان مهم‌ترین پایتخت صفویان می‌توان مشاهده کرد. یکی از نمونه‌های آن قراردادن سنگاب در مساجد و معابر است که با برخی هنرهای ریشه‌دار در فرهنگ اسلامی به ویژه با شعر و خوشنویسی و حجاری عجین است. این پژوهش به بررسی ۵۴ سنگاب موجود در اصفهان می‌پردازد که ۳۹ عدد آن دارای کتیبه یا نقش بر بدنه هستند، تعداد زیادی از آنها نیز از دوره قاجاریه به جا مانده است.

واژگان کلیدی

سنگاب‌های اصفهان، تشیع، آب، شهدای کربلا.

*. دکتری هنر و طراحی، استادیار دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا. نویسنده مسئول ۰۹۱۲۱۶۱۲۳۴۶

Afzaltousi@hotmail.com

**دانشجوی کارشناسی ارشد ارتباط تصویری دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا.

nasim_martist@yahoo.com

مقدمه

حادثه نهم محرم سال ۶۱ فقط یک اتفاق ساده تاریخی نبود بلکه این پدیده بزرگ عالم اسلام از بدو خلقت به اولیاء و انبیاء پیشین تذکر داده شده و بر این شهید بزرگ از آدم تا خاتم گریسته‌اند. بعد از واقعه کربلا قیام توابین با خونخواهی و به قصد جبران کوتاهی رفته در عاشورا و پس از آن قیام خونین مختار با شعار خونخواهی آن امام مظلوم به وقوع پیوست. از همان قرن اول هجری ائمه (ع) شیعیان را به برپایی مراسم عزاداری شهدای کربلا و مرثیه خوانی بر ایشان ترغیب می‌کردند. این امر موجب شکل‌گیری فرهنگ خاص عاشورا در میان مسلمانان شد که خود سبب پایداری و گسترش شیعه و پایه‌گذار قیام‌های بعدی بود. فرهنگ عاشورا بر محور مرثیه خوانی بر شهدا و احترام بر تربت پاک امام حسین، آداب و هنرهای خاص خود را به وجود آورد؛ از جمله شعر و نقاشی و معماری تکایا. یکی دیگر از جلوه‌های فرهنگ عاشورا که با شعر عاشورایی و خوشنویسی اسلامی نیز عجین شده، سنگاب است. همان‌طور که در میان مسلمانان مسجد به منظور تجمع مسلمانان بنا شده و رفته رفته به محل تجلی فرهنگ و هنر مسلمانان بدل شد، سنگاب نیز در میان مسجد و بازار نماد تجلی علاقه شیعه به عاشورا و پاسداری از نام سید شهدا تلقی شد.

لازم به ذکر است در مورد سنگاب‌ها کمتر گزارشی در منابع تاریخی می‌توان پیدا کرد، چه بسا به دلیل آنکه سنگاب در زمره تزیینات معماری نبوده و همچون منبر از اهمیت ویژه و فراوانی کافی برخوردار نیست. تنها تصویر نقوش برجسته بر روی سنگاب مدینه الزهرا (پس از سال ۹۳۶م) آمده است که با دیگر موضوعات و حجاری‌های زمان خود تفاوتی نداشته دیواره مستطیل شکلی است که همچون اسپر، پر از تزیینات گیاهی تکرار شده در سه قطعه است، کتیبه‌ای نیز به شکل نوار باریک دور تا دور آن به خط کوفی دارد (اتینگهاوزن، ۱۳۸۱: ۲۲۰).

سنگابی از دوره سلجوقی در بورسای ترکیه در صحن مسجد جامع سبز «یشیل جامی» که قسمت مهم کار آن در سال ۱۴۱۹ و تزیینات آن در سال ۱۴۲۴ به پایان رسیده است. این سنگاب در زیر نورگیری (چلچراغ) مدور قرار داشته است. (هواگ و مارتن، ۱۳۶۸: ۸۷-۸۶) مورد فوق با سنگاب‌های اصفهان به لحاظ فرم و اندازه متفاوت بوده و مانند حوضچه‌ای ثابت است. از این‌رو می‌توان گفت کمتر به سنگاب‌ها پرداخته شده و تنها منبع مستقیم در این موضوع کتاب «منصور دادمهر» است که در این مقاله نیز بدان استناد شده است.

تمسک به مذهب تشیع و اصرار فرمانروایان اولیه صفوی برای ایجاد سدی میان دولت عثمانی و تهاجمات ازبکان برخی تعصبات را نیز در پی داشت (بجنوردی، ۱۳۸۵: ۱۱۵) که موضوع بحث این مقاله نیست. اما نظر به فراوانی سنگاب‌ها در دوران صفویه می‌توان آن را هنری شیعی دانست. در دوران (حدود یک

قرن) افول آن با شورش افغانه و ظهور حکومت نادر قلی افشار (۱۱۴۲ق/۱۷۲۹م)، با سیاست تسامح او که ظاهری ضد تشیع داشت و از مصادیق آن نیز بی‌اعتمادی و مخالفت با سران ایرانی و شیعه مذهب در سپاهش بود که سرانجام نیز منجر به قتل او توسط ایشان شد (زرین‌کوب، ۱۳۸۷: ۷۴۵). در دوران زندیه با فرصت کوتاه کریمخان زند برای حکومت در شیراز، وجود اختلافات میان حکمرانان و جنگ و گریزهای محلی و دست‌به‌دست‌شدن اصفهان بین بازماندگان زند و آقامحمدخان، (همان: ۷۶۲)، سنگابی با تاریخ این دوران در میان آثار به جامانده در اصفهان نیست.

در دوران قاجار با توجه به آنکه سران قاجار در دامن شاهان صفویه پرورش پیدا کرده و از شیعیان طرفدار حکومت در سپاه قزلباش محسوب می‌شدند، "سلاله قاجار حتی دوست داشت دولت خود را جانشین قانونی صفویه نشان دهد و در دربار خود تمام تشریفات و رسوم آنها را نگه داشت" (همان: ۷۹۸). از این‌رو بار دیگر عقاید شیعی و زبان ترکی در دربار پا گرفت، و رویه فرهنگی مشابه با دولت صفوی در برپایی سنگاب‌ها علی‌رغم نفوذ فرهنگ غربی، همچنان ادامه پیدا کرد. این خود نشان دیگری بر آنست که اگر چه سیاست حاکم در برپایی سنگاب‌ها به پشتوانه باورهای دینی و مردمی مؤثر بود، این آثار تجلی هنری شیعی است که مقدسات مورد توجه شیعیان را به نمایش می‌گذارد.

آنچه موضوع این مقاله قرار گرفته است بررسی سنگاب‌های اصفهان در دوره صفویه و قاجاریه با توجه به فرهنگ عاشورایی است. دولت صفویه مذهب تشیع را مذهب رسمی کشور اعلام کرد، و در پی آن به حوادث عاشورا اهمیت داد. تأثیرات مذهب تشیع و فرهنگ عاشورا را در جای جای دولت صفویه و در اصفهان مهم‌ترین پایتخت صفویان می‌توان مشاهده کرد. یکی از نمونه‌های آن قراردادن سنگاب در مساجد و معابر است که با برخی هنرهای ریشه‌دار در فرهنگ اسلامی به ویژه با شعر و خوشنویسی و حجاری عجین شده است.

این پژوهش به بررسی ۵۴ سنگاب موجود در اصفهان می‌پردازد که ۳۹ عدد از آن دارای کتیبه یا نقش بر بدنه هستند و بیشترین تعداد آنها از دوره قاجاریه به جا مانده است. ۳۰ عدد از سنگاب‌ها دارای تاریخ است که از این تعداد ۱۰ عدد مربوط به دوره صفویه و ۲۰ عدد مربوط به دوره قاجاریه است. بر روی ۱۲ نمونه از سنگاب‌ها اشعاری در رثای شهدای کربلا و نیت واقف به چشم می‌خورد.

ساخت این سنگاب‌ها از دوره شاه صفی اول (۱۰۵۲-۱۰۳۸) با سنگابی در مسجد جامع اصفهان آغاز می‌شود و با توجه به تاریخ حک‌شده، سنگاب‌های به جا مانده دوره صفویه مربوط به سال ۱۰۴۹ تا ۱۱۱۷ ه.ق و سنگاب‌های تاریخ‌دار دوره قاجار مربوط به ۱۲۰۰ تا ۱۳۳۹ ه.ق است (جدول ۱).

یکی از هدف‌های مهم ساخت سنگاب بزرگداشت عاشورا است و

جدول ۱. شناسایی سنگاب‌های اصفهان. مأخذ: نگارندگان.

Table 1. Lavers of Isfahan. Source: authors.

دوره تاریخی	تاریخ	نام سنگاب	مکان
صفویه	دوره شاه عباس	سنگاب درب ورودی	مسجد جامع عباسی (امام، شاه)
صفویه	۱۰۹۵	سنگاب چهل‌ستون غربی	
صفویه	-	سنگاب دالان مشرف به حیاط گوشه جنوب غربی	
صفویه	-	سنگاب زیر گنبد غربی	
صفویه	-	سنگاب چهل‌ستون شرقی	
صفویه	۱۹۰۱ (اشتباه سنگتراش)	سنگاب دالان مشرف به حیاط گوشه جنوب غربی	
صفویه	-	سنگاب انتهای شرقی مدخل اصلی مسجد	مسجد جامع عتیق
صفویه	دوره شاه صفی	سنگاب ایوان شمالی (درویش)	
صفویه	۱۱۰۲	سنگاب ایوان جنوبی (صاحب)	
صفویه	-	سنگاب ایوان شرقی (ساگرد)	
صفویه	-	سنگاب ایوان غربی (استاد)	
صفویه	-	سنگاب شمال غربی مسجد	
صفویه	۱۲۱۴	سنگاب کنار دیوار جنوبی حوض قاجاریه ^۲	مسجد حکیم
صفویه	۱۰۴۹	سنگاب شرقی	امامزاده اسماعیل
صفویه	-	سنگاب غربی	
صفویه	۱۱۱۰	سنگاب سرسرای ورودی	مدرسه چهارباغ
صفویه	۱۰۹۰	سنگاب ایوان بزرگ جنوبی	
صفویه	۱۱۱۶ لرنی برابر با ۱۰۷۷ مق	۱ سنگاب	کلیسای وانک
صفویه	۱۱۱۷	۱ سنگاب	مسجد سرخی (سفره چی)
صفویه	۱۰۸۱	۱ سنگاب	مدرسه ترک‌ها
قاجاریه	-	سنگاب مدخل شمالی مسجد	مسجد سید
قاجاریه	-	سنگاب طرف شمالی حوض	
قاجاریه	-	سنگاب طرف جنوبی حوض	
قاجاریه	۱۲۴۹	سنگاب آرامگاه سید محمد باقر شفتی	مسجد آقا میرزا هاشم چهارسوقی
قاجاریه	۱۲۸۰	۱ سنگاب	امامزاده هارون ولایت
قاجاریه	۱۲۶۱	۱ سنگاب	مسجد علی اکبر حاجی رضا
قاجاریه	۱۲۶۰	۱ سنگاب	مسجد قطیبه
قاجاریه	۱۳۰۷	۱ سنگاب	مسجد دروازه نو
قاجاریه	۱۳۱۵	سنگاب رو به روی در ورودی محوطه مسجد	مسجد جامع محمد جعفر
قاجاریه	-	سنگاب رواق جنوب شرقی مسجد سنگاب گوشه شمال غربی محوطه مسجد	
قاجاریه	-	سنگاب شمال غربی	مسجد شارع
قاجاریه	-	سنگاب میان حوض	
قاجاریه	-	سنگاب کنار حوض	
قاجاریه	-	سنگاب کنار حوض	
قاجاریه	۱۲۹۹	سنگاب ایوان جنوبی	مسجد رحیم خان
قاجاریه	-	سنگاب ایوان شمالی	مسجد آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی
قاجاریه	۱۲۹۱	۱ سنگاب	
قاجاریه	۱۱۱۹	سنگاب مستطیل شکل	مسجد مصری
قاجاریه	۱۲۴۳	سنگاب ایوان شمالی	مسجد صفا
قاجاریه	۱۲۹۰	۱ سنگاب	
قاجاریه	۱۲۶۷	۱ سنگاب	مسجد چارچی
قاجاریه	۱۳۰۵	۱ سنگاب	مسجد خان
قاجاریه	-	سنگاب ۲	
قاجاریه	-	۱ سنگاب	مسجد حاجی سید جواد (صفا)
قاجاریه	۱۲۷۶	سنگاب طرف شمالی	مسجد الحبيب محله نو
قاجاریه	۱۲۴۰	سنگاب طرف جنوبی	
قاجاریه	۱۲۷۵	۱ سنگاب	مدرسه صدر
قاجاریه	۱۲۷۵	۱ سنگاب	مدرسه میرزا حسین
قاجاریه	۱۲۲۹	سنگاب شمال شرقی رواق چهارم	سی و سه پل (الله وردی خان)
قاجاریه	-	سنگاب جنوب شرقی، رواق یازدهم	
قاجاریه	۱۲۲۶	۱ سنگاب	سرای نو تیمچه قهوه کاشی‌ها
قاجاریه	-	۱ سنگاب	تیمچه حاج محمد صادق
قاجاریه	۱۲۵۰	۱ سنگاب	مسجد سید حبیب الله روضاتی

سنگاب چون اعلامیه و یا نقش برجسته‌ای در مساجد و معابر شهر یادآور شهدای کربلا بوده است. سنگاب محل هنر دینی با وظیفه زنده‌نگاهداشتن خاطره شهدای کربلا و سنت وقف، در عین ترویج کار نیک، یادآور آزادگی و ایثار و بندگی حق است.

سنگاب‌ها دارای نقوش و خطوط تزئیناتی ارزشمند و زیبا هستند و مجموعاً می‌توان آن را نمونه شاخصی از هنر قدسی دانست. این مقاله به معرفی و بررسی ویژگی‌های سنگاب‌های اصفهان به عنوان یک هنر دینی و به ویژه شیعی برگرفته از فرهنگ عاشورا می‌پردازد. روش گردآوری اطلاعات، تلفیقی از شیوه کتابخانه‌ای و میدانی بوده و از عکاسی و فیش‌برداری استفاده شده است. از فرضیات این پژوهش بررسی جنبه تقدس سنگاب به عنوان هنر دینی شیعه است و در این رابطه تزئینات به کار رفته روی سنگاب مورد مطالعه قرار گرفته است.

نقوش و خطوط مورد استفاده، دارای نوعی هویت مذهبی- شیعی و نمادگرایی در ارتباط با آب به عنوان سمبل یادآور عاشورا بوده و در بردارنده ارزش‌های زیبایی‌شناسی هستند.

عقاید شیعی و حکومت

تا قبل از سال ۳۵۲ ه.ق قوانین و احکام مربوط به مذهب سنت و جماعت و مسایل مربوط به آن شدیداً اجرا می‌شد و شیعیان ساکن در متصرفات اسلامی- به خصوص بغداد و ایران- از ترس تعقیب و آزار حاکمان سنی مذهب جرأت اجتماع علنی برای تبلیغ کیش و آیین خود نداشتند. تنها از سال ۳۵۲ ه.ق بود که معزالدوله دیلمی از خاندان آل بویه، دستور داد تا مردم شیعی مذهب بغداد تقییه را کنار گذارند و علناً عقاید مذهبی را اظهار دارند و در ده روز اول ماه محرم - که روزهای عزیزی برای شیعیان است- مغازه‌ها را در سراسر بغداد تعطیل کنند و به همراه زنان با موهایی ژولیده و صورت‌های گل‌مالی شده از منازل خود به خیابان‌ها آیند و سینه‌زنان مراسم عاشورای حسینی را به جای آورند (یوسف جمالی، ۱۳۷۲: ۱۴۶). در دوران حکومت الباقیو؛ سلطان محمد خدابنده (۷۱۶-۷۰۳) نیز جو مذهبی بر ایران حاکم شد و به خصوص پس از گرویدن او به شیعه، نام دوازده امام یا چهارده معصوم در حاشیه سکه‌ها نوشته شد.

اگر چه در شهرهای شمال کشور حکومت دست علویان بود و ارادت به چهارده معصوم را در آثار به جامانده از جمله بر سکه‌های آن دوران نیز می‌توان دید.

آل بویه و سربداران (۷۸۸ - ۵۷۳۶) قبل از صفویه تنها سلسله‌های محلی بودند که مذهب تشیع را به عنوان ایدئولوژی فکری خود انتخاب نمودند و از نشانه‌های ارادت ایشان یکی آوردن صلوات چهارده معصوم، در حاشیه سکه در دوران «علی مؤید سربدار» (۷۶۶ - ۷۸۳ ه) قابل مشاهده است (رهبر گنجه، ۱۳۸۲: ۴۶).

اما به تدریج با از هم‌پاشی مغولان ایران، مذهب سنت و جماعت مجدداً رسمی اعلام شد و گرایش‌های مذهبی حکام، عرصه را بر عموم تنگ کرد.

آب در برگزیده همه صور بالقوه حیات است و در ادیان و آیین‌های مختلف در خلقت بشر همواره با جلوه‌های متنوع حضور دارد. "آب در آفرینش کیهان، و اساطیر و آیین‌ها و شمایل‌نگاری‌ها، جدا از ساختار کلیت‌های فرهنگی مربوط به آنها، همواره یک نقش دارد: مقدم بر هر شکل و صورتی است و محمل و تکیه‌گاه هر آفرینشی. غوطه‌زدن در آب، رمز رجعت به حالت پیش از شکل‌پذیری و تجدید حیات کامل و زایشی نو است، زیرا هر غوطه‌وری، برابر با انحلال و اضمحلال صورت و استقرار مجدد حالت نامتین مقدم بر وجود است و خروج از آب، تکرار عمل تجلی صورت در آفرینش کیهان. پیوند با آب، همواره متضمن تجدید حیات است. زیرا از سویی در پی هر انحلالی "ولادتی نو" هست؛ و از سویی دیگر غوطه خوردن، امکانات بالقوه زندگی و آفرینش را مایه‌ور می‌کند و افزایش می‌دهند" (البیاده، ۱۳۷۶: ۱۸۹).

آب یکی از عناصر چهارگانه است و به تعبیر برخی، کمبود منابع طبیعی آب در ایران باعث احترام و مقام ویژه آب نزد ایرانیان باستان شده است.

در عقاید دوران باستان در آیین میترا می‌توان فرزند الهه آب‌ها است که او نیز در آب بارور شده است و چون به دنیا می‌آید با تیر خود سنگی را نشانه می‌رود که از آن آب بیرون می‌چهد. در آیین زرتشتی در دومین مرحله تکوین جهان اهورامزدا آب‌ها را آفرید و ناهید ایزد چشمه‌ای به همین نام مورد پرستش قرار می‌گرفت (کارنوی، ۱۳۸۳: ۲۷-۲۶).

در اعتقادات اسلامی آب از اهمیت بسیاری برخوردار است. در قرآن آیات بسیاری با مضمون آب وجود دارد. از آن جمله خداوند در قرآن می‌فرماید: "و جعلنا من الماء کل شیء حی"؛ از آب هر چیزی را زنده گردانیدیم (سوره انبیا، آیه ۳۰).

در دین اسلام اولین شرط در انجام فرایض دینی طهارت است و در برخی اعمال عبادی برای طهارت، وضو و غسل واجب و یا مستحب اعلام شده است. آب همان‌گونه که موجب پاکی و طهارت ظاهری انسان است به سبب ویژگی‌هایی که در آن نهفته و حضور آن در اعمال واجب دینی سبب پاکی روح انسان می‌شود. با این اوصاف عنصر «آب» هم در شریعت اسلام و هم در طریقت باطنی آن نقش اساسی دارد. همچنین رابطه دیگر آب با تشیع آنست که به روایتی مهریه حضرت فاطمه زهرا(س) بوده است. جناب «محمد باقر مجلسی» در بحارالانوار جلد ۴۳ حدیثی از امام باقر(ع) آورده است: "جعلت لها فی الارض اربعة انهار: الفرات، و نیل و نهروان و نهر بلخ". یعنی چهار نهر فرات، نیل، نهروان و بلخ در روی زمین برای حضرت زهرا - سلام الله علیها - قرار داده شده است (مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۴۳: ۱۱۳).

"رواج تشیع در ایران و عمومیت پیدا کردن عزاداری سالار شهیدان، همچنین تکرار مداوم وقایع تاریخی کربلا و ماجرای شهادت حضرت ابوالفضل عباس(ع) که در آن واقعه جان خود را در راه رساندن آب به تشنگان کربلا از دست دادند، سبب شده که آب

در بهار ۹۰۶ه. قزلباش وارد تبریز شد و سپاهیان آق قویونلو را شکست داد و شاه اسماعیل در عنفوان جوانی بر تخت نشست. یکی از نخستین اقدامات ایشان آن بود که نام ۱۲ امام شیعه را در خطبه‌ها آورد و از این پس قزلباش که از لشکریان و بزرگان اطراف اسماعیل بودند، شیعه دوازده امامی را دین رسمی قرار داد (پطروشفسکی، ۱۳۵۲: ۲۹۲).

به عبارتی در دوران صفویه حکومتی متکی به مذهب بر پایه شاخص‌های دینی شیعه برپا شد. وقتی سلطان حیدر پدر شاه اسماعیل مرشد صوفیان شیخ صفی شد، برای صوفیان مرید خود کلاهی با ۱۲ ترک به رنگ سرخ را ساخت که معتقد بود طرح آن توسط امام علی (ع) در خواب به او الهام شده است. این کلاه برای ترکمانان شیعه طرفدار او نشان از اعتقاد به ۱۲ امام بود. نقش پیر و مرشد پس از سلطان حیدر به فرزند او اسماعیل انتقال پیدا کرد و بعدها این نفوذ عقیدتی موجب استقرار شاه‌اسماعیل و ایجاد حکومت شیعی صفویان شد (نیازمند، ۱۳۸۳: ۱۳۸).

عاشورا و تشیع

حکومت صفوی به مرکزیت اصفهان را می‌توان دوران حکومت شیعی دانست که در آن ترویج اندیشه‌های شیعی به راحتی انجام می‌شد و یکی از این مهم‌ترین جنبه‌های مذهب تشیع واقعه عاشورا و کشته‌شدن امام حسین (ع) و حضرت عباس(س) با لب تشنه است که همواره برای ایرانیان از تقدس بالایی برخوردار بوده است. روایات بسیاری در مورد عظمت شهادت امام حسین(ع) از ابتدای خلقت نزد حضرت آدم، و اولیا و انبیاء الهی از جمله حضرت زکریا (ع) و یحیی (ع) حکایت می‌کنند. از جمله آنکه هنگامی که در تعلیم نام پنج تن، حضرت آدم به نام حسین (ع) رسید بی اختیار گریست و خود از این اندوه که به او دست داد شگفت زده شد، و چون از جبرئیل سؤال کرد، جبرئیل(س) حادثه کربلا و مصائب آن حضرت از جمله تشنگی ایشان را شرح داد (داودی و رستم نژاد، ۱۳۸۷: ۵۷). همچنین ائمه اطهار(ع) به ذکر مصیبت آن حضرت عنایت داشتند و مراسم مرثیه‌خوانی بر ایشان را برپا می‌داشتند. آمده است که، بیشترین مصیبتی که تکیه کلام آن بزرگواران معصوم و حضرت ولی عصر(عج) در ذکر مصائب جدش حسین(ع) است، مصیبت تشنگی امام حسین (ع) و یارانش است.

روایتی از قول امام حسین (ع) خطاب به شیعیانش آمده است، که فرمودند: شیعیتی ما إن شربتم عذب ماء فاذکرونی: شیعیان من! هنگام نوشیدن آب گوارا، از تشنگی من یاد کنید (بهشتی، ۱۳۸۵: ۱۷۲).

فلسفه و اهمیت آب نزد ایرانیان

آب رمز کل چیزهایی است که بالقوه در آفرینش وجود دارد و منشأ و زهدان همه امکانات هستی است. آب در آغاز حیات وجود دارد و در پایان هر دوران تاریخی یا کیهانی نیز حضور پررنگ پیدا می‌کند.

سقاخانه محلی است که به یاد امام حسین (ع) و خانوادهٔ تشنه لبش، در مسیر بازار یا در مسجد و یا در طول خیابان وقف می‌شود، تا آب در دسترس مردم قرار گیرد.

برپایی سقاخانه‌ها در تکیه و بازار در فرهنگ ایرانی همراه با آداب ویژه‌ای از جمله روشن کردن شمع بود. بعدها با الهام از این آداب در نقاشی معاصر ایران (دههٔ ۴۰) سبکی به وجود آمد که به مکتب سقاخانه معروف شد و توضیح آن فرصت دیگری را می‌طلبد.

سنگاب‌ها را می‌توان اولین شکل رسمی نمایش احترام شیعه به شهدای کربلا و رسم سقایی را برخاسته از آن حادثه دانست.

سنگاب، قدح سنگی بزرگی است که در گذشته در معبر و مسجد و امامزاده، هزاران تشنه را بی هیچ چشمداشتی سیراب ساخته و در ضمن رفع نیاز طبیعی ایشان محبت اهل بیت به ویژه امام حسین (ع) را یادآور می‌شد به عبارتی سنگاب در پاسخ به ضروری‌ترین نیاز انسان یعنی آب، اساسی‌ترین اصول شیعیان را یادآور می‌شود.

"حکایت سنگاب، حکایت مرید و مراد بوده و سنگاب نقطهٔ مراد است که با بلندایی به فراخور نیاز همگان، ایستاده بر پایه‌ای سنگی، و درونش منبع سرشار حیات و گاه کتیبه‌های زمینی بیرونش به خاطر اهمیت داستان آب، مرید را به اندیشه وامی‌داشته و مرید جویندهٔ آب بوده که به وقت تشنگی مراد را می‌طلبیده؛ یعنی آب را می‌جسته، که نشانش سنگاب است" (دادمهر، ۱۳۷۸: ۱۰۷).

مشاهدات حاکی از آنست که؛ سنگاب‌های مساجد و اماکن مقدسهٔ اصفهان از نظر شکل مختلف است. بیشتر سنگاب‌ها دایره مانند است و برخی از به شکل مستطیل ساخته شده است. نوع سنگ آنها از مرمر و یشم یا سنگ پارسی و نوعی از سنگ‌های آهکی است بعضی سنگاب‌ها مانند دو سنگاب مرمری گنبد شرقی و غربی مسجد شاه اصفهان از مرمر یکپارچه صیقلی شده است و بعضی دیگر مانند سنگاب مدخل مسجد شاه و سنگاب چهل ستون جانب غربی گنبد بزرگ مسجد شاه از سنگ یشم است (همان: ۱۱۲).

که هر یک به نوعی با نقوش تزیینی، کتیبه‌ها و وقفنامه‌ها به خط نستعلیق، ثلث و نسخ تزیین شده‌اند. برخی از سنگاب‌ها دارای پاشویه‌هایی هستند که محلی برای ریختن آب‌های اضافی بوده و برخی نیز دارای سوراخی در زیر بدنه بوده‌اند که برای خالی کردن آب‌های اضافی و وارد شدن به پاشویه است. روی لبهٔ برخی سنگاب‌ها دایره‌هایی منقور وجود دارد که نشانگر محل قرار گرفتن کاسه‌های آبخوری است و به آن جامگاه گفته می‌شود. تعداد زیادی سنگاب در اصفهان به جا مانده که در این مقاله به بررسی آن می‌پردازیم.

سنگاب تجلی هنر دینی و مقدس

برخی سنگاب‌های مورد بحث این مقاله دارای تزیینات چشمگیری هستند. این قدح‌های سنگی، آثاری مقدس هستند که به واسطهٔ منظور اولیه ساخت آن و کاربرد و حتی نقوش و خطوط حجاری شده روی آنها به اثری با اهداف مقدس و مورد احترام شیعیان تبدیل

همیشه برای ایرانیان تقدس بیشتری یابد و از جنبهٔ مذهبی دارای حرمت بیشتری شود" (خلعتبری، ۱۳۸۷).

اما عجب آنکه در واقعه کربلا آب این عنصر حیاتی از امام حسین (ع) دریغ می‌شود و به عبارتی ارزش آن کمتر از خون حسین (ع) است. بدین معنا که اگر در همه هستی طبق آنچه از «میرچا الیاده» آوردیم آب ارزش‌بخش و مایهٔ حیات است در مورد شهید کربلا آب کوچکتر از آن است که موجب حیات و بقا محسوب شود، بلکه این خون او است که بقا و حیات انسانی انسان کامل را تضمین می‌کند. از این رو اگر چه دشمن آب را از او دریغ می‌کند اما حیات ایشان بنا بر شواهد تاریخی موجود و آنچه که در زیارت امام (ع) آمده است تا ابدیت و در همه هستی پایدار می‌ماند، چنانچه در مورد ایشان در زیارت عاشورا آمده است: مصیبت تو بر آسمان‌ها سنگین است. (و عظمت مصیبتک فی السماوات) زیرا آب مایه حیات هستی از او دریغ شد و این اندوهی بزرگ برای تمام آب‌های عالم و تمام هستی است. در واقع رمز اصلی بقا و حیات در دنیا و به عبارتی حیات به معنای بیولوژیک آن آب است اما حیات معنوی با عشق و بندگی پیوند دارد و این خون حسین (ع) است که آب حیات عالم معنویت محسوب می‌شود.

به سبب واقعه کربلا اهمیت آب نزد شیعه با طریقت و بندگی و اطاعت از امام پیوند پیدا کرده، ارزشی دو چندان دارد. آداب و مراسم متعددی در مورد آب در فرهنگ ایرانی وجود دارد که برخی بازماندهٔ اعتقادات باستانی است (مانند جشن آبریزان در تیرماه) اما رایج‌ترین آداب آب با یاد شهدای تشنهٔ کربلا شکل گرفته است. از جملهٔ آن، سلام دادن به سالار شهیدان پس از نوشیدن آب است که اهمیت آن در نزد شیعه، آب را به نمادی از عاشورا تبدیل کرده است.

در سراسر تاریخ، مذهب همواره الهام بخش هنر بوده و هست. تأثیر الهام مذهبی در فاجعهٔ کربلا دارای دو سطح روایتی و هنر زنده وجود دارند. هنرهایی که به شکلی از اشکال واقعهٔ کربلا را روایت می‌کند. مانند مرثیه خوانی، پرده خوانی و تعزیه، نقاشی با مضمون عاشورا یا نقاشی قهوه‌خانه که هر یک گوشه‌ای از روایت تاریخی را در مورد عاشورا بیان می‌کند.

آداب مربوط به زنده نگه داشتن واقعه کربلا، که همچون هنری زنده اجرا شده و معمولاً از زبانی نمادین برخوردار بوده و انتقال پیام در آن از طریق نمادهای ویژه در فرهنگ و زندگی مردم عجین شده است. آب از اساسی‌ترین نمادهای حیات بشری است که به نمادی برجسته برای عاشورا بدل شده و در فرهنگ شیعه آداب ویژه‌ای در ارتباط با آن شکل گرفته که آب نوشاندن به دیگران یا سقایی یکی از آنهاست.

"ایرانیان سالیان درازی است که به شکل‌های مختلف به زنده نگه داشتن واقعهٔ کربلا می‌پردازند. آیین سقایی، نذر بزرگی از سوی سقاییان به تشنه لبان بود. هر دم فریاد سقاییان در میان عزاداران می‌پیچید که: آبی بنوش و لعنت حق بر یزید کن جان را فدای مرفد شاه شهید کن" (عنصری، ۱۳۸۲: ۹۸).

شده‌اند. کمتر هنری در هنرهای اسلامی بعد از معماری مساجد و کتابت قرآن تا این اندازه از تقدس و نیت‌های الهی برخوردار است. در ادامه برای اثبات مدعای خود، بیش از همه به بررسی نسبت تقدس در مورد سنگاب‌ها پرداخته می‌شود.

• تقدس سنگاب به لحاظ کاربرد

سنگاب‌ها هنری مقدس هستند زیرا با هدف مقدس یادآوری از شهدای کربلا و مقام امام حسین (ع) بر پا داشته شده و اکثر آنها در مساجد، امامزاده‌ها و... و در دسترس توده مردم قرار گرفته‌اند. جایی که فرد مؤمن نمازگزار پس از راز و نیاز با خدای خود، از آب آن بنوشد و صلوات بر حسین و لعنت بر یزید فرستد. مکان‌های مقدسی چون امامزاده و مسجد نیز که فضاهای مقدس و روحانی هستند بر قداست سنگاب‌ها افزوده است.

• وقف

عامل دوم تقدس سنگاب پیروی از سنت پسندیده وقف و نیت نهفته در آن است. کتیبه‌ها و وقفنامه‌هایی که روی سنگاب‌ها هستند، همگی از وقف سنگاب مورد نظر برای امام حسین (ع) و شهدای کربلا و حضرت ابوالفضل (ع) حکایت می‌کند.

بدیهی است که در هنری که با این اهداف و انگیزه‌ها همراه است هر نقش و نگاری دارای تعبیر معنوی است و هنرمند در آن به جستجوی ساحت دیگری است. نگاه هنرمند مسلمان به هستی نگاه عبودیت است به ویژه آنگاه که با هدف بزرگداشت اعتقادات شیعی و به ویژه ارج نهادن به شهدای کربلا باشد.

• تقدس به لحاظ تفکر توحیدی و محتوی

تزیینات حک شده بر سنگاب‌ها تنها جنبه زیباشناسی نداشته غالباً حاوی پیام‌ها و شعائر دینی است مانند صلوات بر چهارده معصوم و یا اشعاری در بزرگداشت شهدای کربلا به ویژه امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (س) که جان خود را در راه عشق به خدا و حفظ دین الهی نهادند. این محتوی دینی در غالب اشعار یا نقوش نمادین تجسم و به نمایش گذارده شده که در ادامه به توضیح آن پرداخته می‌شود.

دسته‌بندی تزیینات سنگاب

تزیینات به کار رفته بر روی سنگاب‌های اصفهان به سه دسته تقسیم می‌شوند: کتیبه‌ها و وقفنامه‌ها، نقوش گیاهی و نقش کنگره‌دار. آنچه مدنظر این مقاله است ارتباط این نقوش با فرهنگ عاشورایی و خلق هنری مقدس است.

عامل مهم دیگر در مورد سنگاب به عنوان یک هنر مقدس ویژگی‌های هنری به کار رفته در آن است. اکثر هنرهای افزوده بر پیکره سنگاب با هدف معنوی آن یعنی یادآوری شهدای کربلا هماهنگ است و کمتر ابیات و یا نقشی بر آن به دور از اشاره مستقیم به اهمیت نمادین آب و عاشورا دیده می‌شود. همان‌طور که بر همگان روشن است ادبیات و شعر در هنر ایران از جایگاه خاصی برخوردار است. بر تعدادی از سنگاب‌ها اشعاری نوشته شده

که یا مرثیه بر شهدای کربلاست و یا در مورد وقف و نیت وقف کننده تأکید دارد. در تزیینات سنگاب دو هنر شعر و خوشنویسی در درجه اول قرار دارد و سپس نقش و نگارهای هنر اسلامی در آن دیده می‌شود. به عبارتی تزیینات سنگاب شامل چندین هنر خاص ایرانی و اسلامی است که ذیل این مطلب برشمرده می‌شود.

• شعر

برخی شعر را کلامی می‌دانند که روح‌القدس بر زبان شاعر جاری می‌کند. و اولین کسی که در عالم شعر گفت حضرت آدم بود که بر اندوه فرزند کشته شده‌اش هابیل شعر سرود. و در پیدایی شعر دینی حضرت علی (ع) مظهر و نمونه کمال انسانی حضور داشته است و دیوانی منسوب به او شامل ۵۰۰ بیت در باب معانی دینی و ربانی است که روح شاعرانه جاهلیت عرب در آن رنگ باخته و نهج‌البلاغه نیز نثر امیر مؤمنان است که اساس ادب در دنیای اسلام است مدح و هجا نخستین صور شعر عصر اسلامی است. و از جمله مشاهیر آن در زمان پیامبر (ص) حسان بن ثابت بود که پیامبر (ص) به او فرمود "الهم ایده بروح القدوس" (بار الها او را به واسطه روح القدوس مؤید بدار)؛ (مددپور، ۱۳۸۴: ۱۵۲-۱۴۵).

شعر و شاعری برای اعراب حتی پس از اسلام آنچنان مورد توجه بود که حاکمان و خلفا همواره در حفظ شاعران می‌کوشیدند. نمونه آن «فرزدق» است که در باطن طرفدار بنی هاشم بود و چون در مراسم حج خلیفه اموی «هشام ابن عبدالملک» در طواف امام سجاد (ع) را دید و هویت ایشان را نادیده گرفت، فرزدق فوراً قصیده‌ای در مدح اهل بیت سرود. همچنین بود کمیت اسدی که ائمه اطهار (ع) او را موید به روح القدوس می‌دانستند (همان: ۱۵۱). با برافتادن امویان (۱۳۲ ه. ق) و روی کار آمدن عباسیان راه بر شاعرانی که مدح پیامبر (ص) و علی (ع) و شهدای کربلا را می‌کردند باز شد و با آنکه عباسیان از آل علی دل‌موافق نبودند چنانچه در ضمن این اشعار مدح عباسیان نیز بود به شاعر صله نیز می‌دادند. و گاهی نیز خلفایی چون متوکل و معتصم به هیچ‌وجه تاب ثناگویی آل علی (ع) را نداشتند. با تسلط دیلمیان بر بغداد در این شهر که از سال‌ها پیش مرکز شاعران شیعی بود، انجمن‌ها تشکیل شد. اما در شعر فارسی دری و یا شاعران ایرانی عربی‌گو نیز ستایش از آل علی (ع) و پیامبر تا قرن چهارم هجری دیده نمی‌شود. از اواخر قرن چهارم هجری با گسترش شهرت فاطمیان مصر، شاعران فارسی‌گوی شرق ایران از جمله ناصر خسرو علوی به مدح اهل بیت زبان گشودند. و نمونه‌های اندکی به جای ماند تا قرن هشتم هجری که شاعران شیعی در نقاط مختلف ایران زبان به مدح اهل بیت گشودند. در قرن دهم با رسمیت پیدا کردن مذهب شیعه قسمت مهمی از شعر فارسی را مدیحه‌ها و مرثیه‌های اهل بیت تشکیل می‌دهد (شهیدی، ۱۳۹۱: ۲۱۶-۲۱۲).

شعر دینی و همدردار مدیحه یا مرثیه، بی شک هنر مقدسی است که پیامبر (ص) و ائمه (ع) به آن توجه داشته شاعران را بدان تشویق

آودیک ایساهاکیان (۱۸۷۵ لین آگان) یکی از چهار رکن ادب و هنر ارمنی قرار گرفته است.

• خوشنویسی

خط از هنرهای ویژه اسلامی است که به واسطه کتابت قرآن تقدس داشته و بر هر مسلمانی شناخته شده است. مهم‌ترین جلوه‌ی بصری عالی هنر برای مسلمانان خط است که نمونه آن را بر پوشش خانه کعبه که کسوه خوانده می‌شود، به خط ثلث زردوزی شده و تمام مسلمانان در حج شاهد آن هستند و زبان مشترک ایشان است (Safadi, 1978 :127). به عبارتی خوشنویسی هنر دینی مشترک میان مسلمانان محسوب می‌شود. به واسطه این حقیقت که خوشنویسی در خدمت تثبیت کلام خداوند قرآن است، به قول تیتوس بورکهارت "شریف‌ترین هنر بصری در جهان اسلام، خوشنویسی است" (بورکهارت، ۱۳۶۹: ۱۵۰).

خوشنویسی به واسطه کتابت قرآن جلوه‌ای مقدس در اذهان عموم مردم نیز دارد. به ویژه آنکه مسلمانان مبدع خوشنویسی را امام علی (ع) دانسته و از این رو می‌توان گفت از هنرهای محبوب ایرانیان است و به قول محمد حسن زکی هیچ قومی مانند ایرانیان از هنر خوشنویسی به عنوان یک عامل تزئینی در آراستن بنا و اشیاء و آثار بهره نگرفته است (بجنوردی، ۱۳۸۵: ۳۹۳-۳۹۲).

خوشنویسی از تزئینات معمول در مساجد مسلمانان است و از این رو به قاطعیت می‌توان گفت که این هنر از تقدس برخوردار است. انواع قلم در خوشنویسی برای کتابت و کتیبه نویسی به کار رفته اما خطوط ثلث بیشتر در مساجد دیده می‌شود، و خط نستعلیق مناسب کتاب‌های ادبی و شعر است. نکته جالب توجه در مورد خطوط حجاری شده بر سنگاب آن است که، اکثر آنها و به ویژه در مورد نمونه‌های به جا مانده از دوره قاجار تمام آنها به خط نستعلیق است. در کتیبه سنگاب‌ها به وضوح تأثیر فرهنگ عاشورایی و نمادهای شیعی دیده می‌شود. این نوشته‌ها شامل یاد و درود و صلوات بر ائمه اطهار و چهارده معصوم است. برخی اشعار شامل نیت وقف‌کننده و یا مرثیه به یاد شهدای تشنه لب کربلا دارند و در بعضی موارد نام واقف و در موارد معدودی نام هنرمند نیز دیده می‌شود. خط غالب

می‌کردند. ائمه اطهار (ع) مراسم مرثیه خوانی برای جدشان امام حسین (ع) بر پا می‌کردند. در تاریخ آمده است امام رضا (ع) از دعبل خزایی خواستند تا بر جدشان حسین (ع) مرثیه بخواند (داودی و رستم‌نژاد، ۱۳۸۷: ۶۳). برخی اشعار روی سنگاب مرثیه‌سرایی بر شهدای کربلاست، مانند کتیبه سنگاب مسجد آقا میرزا هاشم چهارسوقی به خط نستعلیق برجسته با این ابیات:

آب در کربلا ای قوم بد اختر نبود

یا حسین تشنه لب فرزند پیغمبر نبود

(سلام الله علی‌الحسین لعنت الله علی قاتل‌الحسین وقف جناب ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام نمود طایف بیت الله الحرام حاجی فتح الله مرحوم آقا عبدالرضا لر شیروانی فی شهر رمضان سنه ۱۲۸۰) (تصویر ۱). از نمونه‌های دیگر مرثیه در کتیبه سنگاب مسجد آقامیرزا محمد باقر به شرح ذیل دیده می‌شود:

مگر به کرب و بلا آب به قیمت جان بود

که از عطش به فلک ناله اسیران بود

سلام الله علی‌الحسین (ع) لعنت الله علی قاتل‌الحسین علیه‌السلام. (وقف جناب ابا عبدالله الحسین نمود حاجی فتح الله خلف مرحوم آقا عبدالرضا لر شیروانی که در مسجد چهارسوق شیرازی‌ها باشد، فی شهر محرم ۱۲۹۱). در بسیاری از نمونه‌ها نوشته اشاره به وقف دارد و وقفنامه‌ها به دو شکل آمده یا به صورت مستقیم و در قالب نثر و یا مانند وقفنامه ذیل در قالب نظم است:

اشعار کتیبه سنگاب مسجد قطیبه به خط نستعلیق برجسته به شرح زیر: از ره احسان نمود وقف به دوران دختر باقر ز ساکنین صفاهان وقف ابوالفضل کرده سنگ آبی تا که شود سرافراز حضرت سبحان هر که خورد آب خوشگوار نماید لعن فراوان به قاتلان شهیدان گفت فیوضی ز بهر تاریخش غشز پس از هجرت ستوده دوران (۱۳۰۷) به نظر می‌رسد سنت زیبای وقف علاوه بر آنکه نتیجه کاربردی آن نیکو است، در سنگاب پیام زنده و ماندگار توصیه به کار خیر است. از سویی وقف نقش یادبود و به جا ماندن نام برخی را نیز دارد. جالب توجه است که در دوران شیوع سنگاب در اصفهان در کلیسای وانک سنگابی به تاریخ ۱۰۷۷ ه.ق به نشانه یادبود از



تصویر ۱. کتیبه مسجد آقا میرزا هاشم چهارسوقی. عکس: نسیم مانی، ۱۳۹۰.

Fig.1. Inscription on a laver in Aqa-Mirza Hashenm Chahar Soqi Mosque. Photo by: Nasim Mani, 2011.

همگی نشانگر تأیید نقش کتیبه نگاری و خوشنویسی به عنوان یک واسط هنری است که علاوه بر پیام رسانی یکی از راه‌های تزئین در هنر اسلامی است. علاوه بر آن همگرایی هنرها را در تکمیل یک اثر دینی نشان می‌دهد.

• نقوش اسلیمی

هرچند که بیشترین سهم تزئین سنگاب‌ها را کتیبه‌ها تشکیل می‌دهند ولی حضور نقوش انتزاعی و اسلیمی‌ها و گل لوتوس را نمی‌توان نادیده انگاشت. نقش اسلیمی همان نقوش شبیه شاخه‌های درخت انگور است که با حرکت ماریج خود معنای پنهان حرکت جوهری ماده را به تصویر می‌کشد. نقش اسلیمی یا عربسکو (نقش عربی) خالی از مضمون نیست این نقش "صرفاً یک نقش ساده نیست بلکه نمایانگر ملکوت و جبروت خداوند است و در آن واحد، یک آیه دینی و یک آیه هنری است" (البهنسی، ۱۳۸۵: ۱۲۱).

در برخی موارد انتهای نقوش اسلیمی به گل‌های شاه عباسی ختم می‌شود که خود، شکل تکامل پیدا کرده از گل لوتوس یا نیلوفر آبی است. نقش گل لوتوس تنها در سه سنگاب دوره قاجار، با همان شکل شناخته شده در دوره هخامنشی دیده می‌شود. این نقش بر

در این کتیبه‌ها نستعلیق است. نستعلیق خط ابداعی ایرانیان در نیمه اول قرن هشتم ه.ق است و میرعلی تبریزی واضع آن است. شاهان صفوی به خوشنویسی و کاربرد نستعلیق اهمیت می‌دادند. معروف است که شاه عباس برای رضا عباسی شمع را نگه می‌داشت تا کتابت کند (سلوتی، ۱۳۸۱: ۱۹). از دوران صفویه و در دوره قاجار خط نستعلیق مانند خطی ملی در هنر ایرانیان نمود پیدا کرده است. این خط بیش از آنکه با کتابت قرآن و ادعیه نمود پیدا کرده باشد، با شعر فارسی در پیوند است با این همه در سنگاب به عنوان یک هنر شیعی و مقدس، کتیبه اکثر سنگاب‌ها به استثناء ۶ مورد ثلث و ۵ مورد نسخ، نستعلیق است. سنگاب درب شرقی امامزاده اسماعیل و ایوان جنوبی مسجد عتیق هردو خط نسخ و ثلث را دارد، همچنین سنگاب ایوان شمالی مسجد عتیق و سرسرای ورودی مدرسه چهار باغ نیز هردو خط نستعلیق و ثلث را دارد. نمونه‌های مذکور از دوره صفویه به جا مانده است. خطوط سنگاب ایوان شمالی (درویش) مسجد جامع شامل عبارت فارسی و عربی منقور به خط ثلث برجسته به شرح زیر است:

(...وصل علی زین العباد علی و الباقر محمد و الصادق جعفر و الکاظم موسی و الرضا علی و التقی محمد و النقی...)
(هنرفر، ۱۳۴۴: ۱۶۱). در زیر همین کتیبه به خط نستعلیق برجسته، اشعاری حجاری شده که سه مصرع آن به شرح زیر به جا مانده و حاکی از ساختن سنگاب مزبور در دوره شاه صفی است.

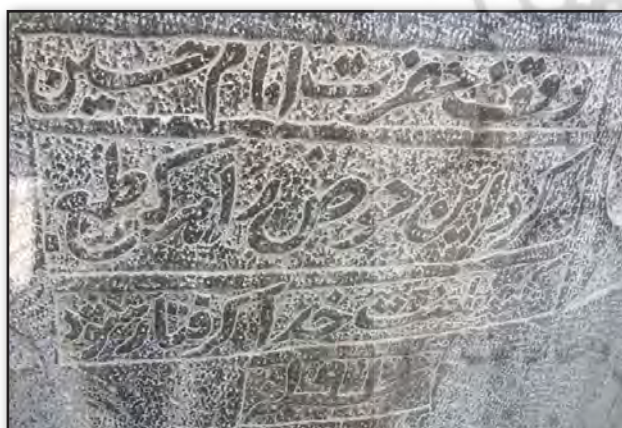
کرد وقف شاه مظلومان حسین ابن علی

هر که نوشد آب گوید لعن بر ابن زیاد

شد تمام این جام در عصر شه ایران صفی

کتیبه سنگاب ایوان جنوبی (صاحب) مسجد جامع نیز به خط ثلث و نسخ است که "بر بالای آن کتیبه صلوات بر چهارده معصوم به خط ثلث برجسته نگاشته شده است" (دادمهر، ۱۳۷۸: ۱۲۶)؛ (تصویر ۲).

در برخی سنگاب‌ها نوشته فقط اشاره به نیت واقف و نام او دارد مانند: سنگاب دالان مشرف به حیاط گوشه جنوب غربی مسجد جامع عباسی (امام یا شاه)، که وقفنامه آن به خط نستعلیق برجسته به شرح زیر است: وقف حضرت امام حسین کرد این حوض را هر که طمع کند به لعنت خدا گرفتار شود (تصویر ۳). نمونه‌های ذکر شده



تصویر ۳. وقفنامه‌چنه سنگاب دالان مشرف به حیاط گوشه جنوب غربی مسجد جامع عباسی. عکس: نسیم مانی، ۱۳۹۰.

Fig.3. Laver containing the deed of endowment (Vaqnameh) in a corridor of Jameh Abbasi Mousque that opens to the yard from the southwestern part. Photo by: Nasim Mani, 2011.



تصویر ۲. کتیبه سنگاب ایوان جنوبی (صاحب) مسجد جامع. عکس: نسیم مانی، ۱۳۹۰.

Fig.2. Inscriptions on the laver in the southern Iwan of Isfahan's Jameh Abbasi Mousque. Photo by: Nasim Mani, 2011.



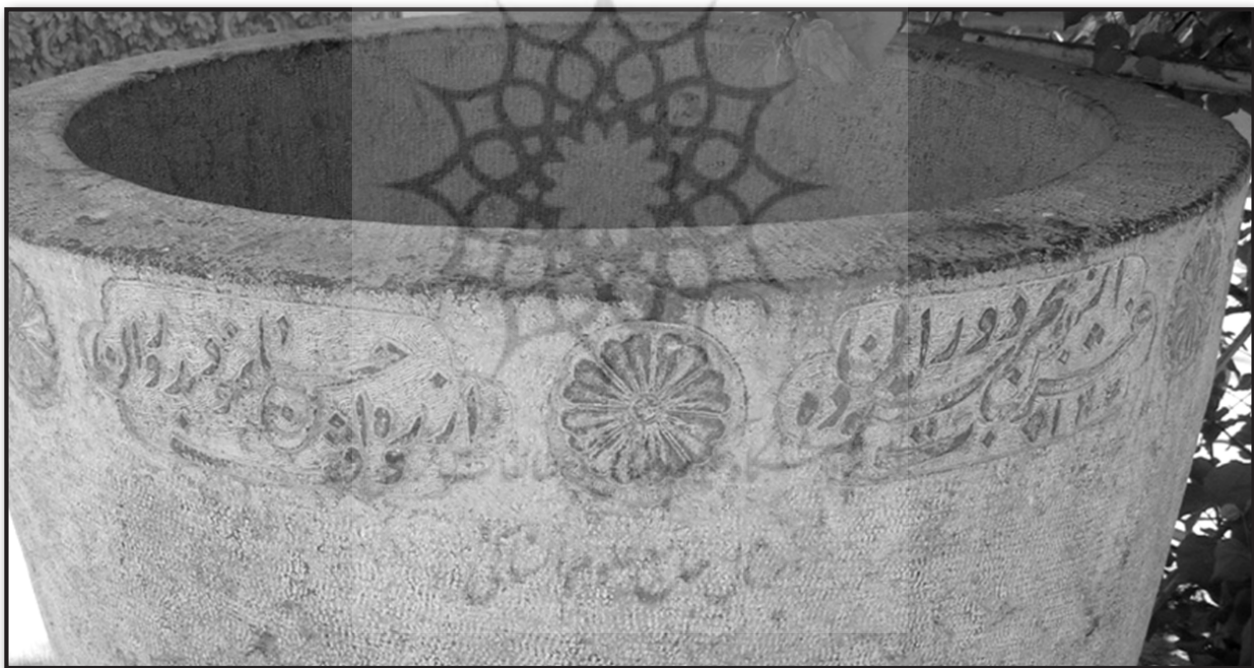
تصویر ۵. نقش گل شاه‌عباسی بر سنگاب چهلستون غربی مسجد جامع عباسی. عکس : نسیم مانی، ۱۳۹۰.

Fig.5. The Shahabasi motif on the laver of the western Chehel Sotoon (hall of pillars) in Jameh Abbasi Mosque. Photo by: Nasim Mani, 2011.

اساس اعتقادات آیین ایران باستان به الهه آب‌ها یا آنهایتا مربوط است. نقش لوتوس بر سنگاب در حین یادآوری تقدس آب در ایران باستان، احیای هنر باستان و ارتباط آن با هنر قاجار را با توجه به رجعت هنری قاجار به دوره ساسانی به نمایش می‌گذارد (تصویر ۴). نقوش اسلیمی و تزیینات با گل و بوته در چرخش‌های اسلیمی از ویژگی هنر اسلامی بوده و با معارف و عرفان اسلامی در ارتباط است.

چنانچه «پاپادوپولو» در نظریه خود، تکامل نحوه مارپیچ را با مفاهیم تصوف اسلامی و مسایل رمزی و دینی ارتباط می‌دهد، از جهت دیگر طریقه قرارگرفتن این مارپیچ‌ها، تعالی روح به طرف خداوند را تجسم می‌کند (همان : ۸۳).

در مجموع نقوش اسلیمی نیز حرکت مستمر به عالم بی‌انتهای معنویت را تداعی کرده و با هنر دینی سنگاب پیوند متناسبی را برقرار کرده است (تصویر ۵).



تصویر ۴. سنگاب مسجد قطبیه. عکس : نسیم مانی، ۱۳۹۰.

Fig.4. Laver of Qotbiyeh Mosque. Photo by: Nasim Mani, 2011.

نتیجه‌گیری

سنگاب با تمایلات و تعصبات دینی حکومت صفویه شکل گرفت و در دوره قاجار که حکومت خود را ادامه دوره صفویه می‌دانست، بار دیگر به عنوان نمادی از ارزش‌های شیعه با توجه به باور و علاقه مردمی تجسم پیدا کرد. این هنر دینی و مقدس، چندین هنر مورد علاقه ایرانیان یعنی شعر و خوشنویسی را در بر دارد. تزیینات سنگاب‌ها همه در پیوند تنگاتنگ با هنر اسلامی بوده و در عین حال ارزش نمادین عنصر آب را در میان ایرانیان و شیعیان را تجسم

بخشیده است. نقش آب در هر مذهبی، همواره تطهیر و تجدید حیات است. تقدیر آب همراهی در خلقت است اما در مورد امام حسین (ع) آب کوچکتر از آن است که موجب حیات او باشد و تنها یادآور عظمت ایثار ایشان است. بدین ترتیب هر گونه ارتباط با آب، برای شیعه دو لحظه اساسی از حیات کیهانی و حیات روحانی را یادآور می‌شود.

عمده‌ترین بر سنگاب شامل کتیبه‌هایی صلوات و چهارده معصوم و اشعاری به یاد مظلومیت و تشنگی امام حسین (ع) است. نقوش تزیینی گل و گیاهی و اسلیمی‌ها نیز در جهت تقویت معنای اثر بوده بر روح معنوی آن می‌افزاید. این نقوش احساسی از حرکت به سوی کمال را ایجاد می‌کند و مؤمنی که از سنگاب آب می‌نوشد با تأمل بر این نقوش و خوردن آبی که یادآور تشنگی سید الشهداء است گویی مسیر کمال را می‌پیماید.

سنگاب تجسم هنری سنت پسندیده وقف در کوچه و بازار و در معرض دید عموم بود و به جرات می‌توان گفت در میان آثار هنری کمتر اثری تا این اندازه در دسترس مردم عامی و با اهداف مقدس دینی وجود دارد. لازم به ذکر است این هنر مردمی به دلیل شیوه استفاده از آب در دوران بعد به فراموشی سپرده شد و حتی برخی از این سنگاب‌ها مورد کم‌مهری قرار گرفته، آسیب دیده (تصویر ۸) و یا در آن آشغال دیده شده است. حال آنکه سنگاب‌ها علاوه بر آنکه یک میراث فرهنگی با ارزش است، همچون سند تاریخی و نماد فرهنگ و هنر شیعه قابل پاسداری است. امید آنکه این اثر هنری مقدس شیعه مورد تکریم قرار گرفته از دستبرد زمانه در امان ماند.



تصویر ۷. سنگاب غربی امامزاده اسماعیل. عکس: نسیم مانی، ۱۳۹۰.

Fig. 7. The western laver of Emamzadeh Esmail. Photo by: Nasim Mani, 2011.



تصویر ۶. سنگاب درب ورودی مسجد جامع عباسی. عکس: نسیم مانی، ۱۳۹۰.

Fig. 6. Laver on the entrance to Jameh Abbasi Mosque. Photo by: Nasim Mani, 2011.



تصویر ۸. سنگاب آسیب دیده، ایوان شمالی (درویش). عکس: نسیم مانی، ۱۳۹۰.

Fig. 8. Damaged laver of the northern Iwan (Darvish Iwan). Photo by: Nasim Mani, 2011.

پی‌نوشت‌ها

۱. تاریخ روی سنگاب ۱۹۰۱ است که در کتاب سقاخانه‌ها و سنگاب‌های اصفهان اشاره شده و سنگتراش تاریخ را به اشتباه حک کرده است.
۲. کتاب سقاخانه‌ها و سنگاب‌های اصفهان این سنگاب را مربوط به دوره صفوی دانسته است ولی تاریخ سنگاب (۱۲۱۴ هـ.ق) حاکی از تعلق آن به دوره قاجار است.

فهرست منابع

- آیینگهاوزن، ریچارد. ۱۳۸۱. هنر و معماری اسلامی. ت: یعقوب آژند. چاپ دوم. تهران: سمت.
- البهنسی، عقیف. ۱۳۸۵. هنر اسلامی. ت: محمود پور آقاسی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- الیاده، میرچا. ۱۳۷۶. رساله در تاریخ ادیان. ت: جلال ستاری. تهران: سروش.
- بجنوردی، سید کاظم. ۱۳۸۵. ایران تاریخ فرهنگ، هنر. تهران: فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بورکهارت، تیتوس. ۱۳۷۶. هنر مقدس. ت: جلال ستاری. تهران: سروش.
- بهشتی، ابوالفضل. ۱۳۸۵. فلسفه و عوامل جاودانگی نهضت عاشورا. چاپ دوم. تهران: انتشارات بوستان.
- بطروشفسکی، ایلینا پاولویچ. ۱۳۵۲. اسلام در ایران. ت: کریم کشاورز. تهران: پیام.
- خلعتبری، مصطفی. ۱۳۸۷. آب، آیین‌ها و باورهای مربوط به آن در فرهنگ عامه. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات.
- دادمهر، منصور. ۱۳۷۸. سقاخانه‌ها و سنگاب‌های اصفهان. اصفهان: انتشارات گل‌ها.
- داودی، سعید و رستم نژاد، مهدی. ۱۳۸۷. عاشورا. زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی. چاپ پنجم. قم: انتشارات امام علی (ع).
- رهبر گنجه، تورج. ۱۳۸۲. نقش اسماء متبرکه بر روی سکه‌های اسلامی. کیهان فرهنگی، (۲۰۲): ۴۵-۴۲.
- زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۸۷. روزگاران تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی. چاپ نهم. تهران: انتشارات سخن.
- سلوتی، رحیم. ۱۳۸۱. میراث جاویدان. تهران: گنجینه فرهنگ.
- شهیدی، سید جعفر. ۱۳۸۷. زندگانی فاطمه زهرا (ع). چاپ پنجاه و پنجم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عناصری، جابر. ۱۳۸۲. سلطان کربلا، تهران: انتشارات زرین و سیمین.
- کارنوی، جوزف آلبرت. ۱۳۸۳. اساطیر ایرانی. ت: احمد طباطبایی. تهران: شرکت انتشارات علمی.
- نیازمند، رضا. ۱۳۸۳. شیعه در تاریخ ایران. تهران: قلم نوین.
- مددیور، محمد. ۱۳۸۴. تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌المللی وابسته به انتشارات امیر کبیر.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۳۷۷. بحارالانوار، ج ۴۳. تهران: مهام.
- هنرفر، لطف الله. ۱۳۴۴. گنجینه آثار تاریخی اصفهان. اصفهان: چاپخانه امامی.
- هواگ، جان و مارتن، هانری. ۱۳۶۸. سبک‌شناسی هنر معماری در سرزمین‌های اسلامی. ت: پرویز ورجاوند. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- یوسف جمالی، محمد کریم. ۱۳۷۲. تشکیل دولت صفوی و تعمیم مذهب تشیع دوازده امامی به عنوان تنها مذهب رسمی. چاپ اول. تهران: چاپ و صحافی اصفهان.

Reference list

- Albahnassi, A. (2006). *Islamic Art*. Translated from Arabic by Pour Agaci. M. Tehran: Research Center of Culture and Islamic Art. (Original work published in 1986).
- Anasori, J. (2003). *Soltan- e Karbala*[Sultan of Karbala]. Tehran: Zareen and Semeen.
- Beheshti, A. (2006). *Falsafe va avamel- e javdanegi- ye nehzat- e ashura* [Philosophy and Reasons of enduring of Ashura uprising]. 2nd edition. Qom: Boostan Publishing.
- Bojnourdi, S. K. (2006). *Iran, tarikh, farhang, honar* [History of Iran's Culture and Art]. Tehran: Culture and Islamic Guidance.
- Burckhardt, T. (1997). *Sacred Art*. Translated from English by Satari, J. Tehran: Soroush Publising (original work published in 1986).
- Carnoy Albert Joseph. (2004). *The Mythology of All Races V6 :Iranian Mythology*. Translated to Farsi by Tabatabaee, A. Tehran: Elmi publication.
- Dadmehr, M. (1999). *Saqakhaneha va sangabha- ye Isfahan* [Saqakhanehs and troughs in Isfahan]. Isfahan: Golha Publishing.
- Davoodi, S. & Rostamnejad, M. (2008). *Ashura*. 5th edition. Qom: Imam Ali (sa) Publishing.
- Honarfar, L. (1965). *Sangabha- ye tarikhi- ye Isfahan* [Historic treasures of Isfahan]. Isfahan: Imami Publishing.
- Khalatbari, M. (2008). *Ab, ayeenha va bavarha- ye marboot be an dar farhang- e amme* [Water and rituals and believes related to it in popular culture]. Tehran: Research Center Publications.
- Madadpour, M. (2005). *Tjaliat- e hekmat- e ma'navi dar honar- e Islami* [Expressions of spirituality in Islamic Art]. International publishing company associated with Ameer Kabeer Publishing.
- Majlesi, M. B. (1998). *Behar- ol anvar* [Seas of Light]. Vol. 43.(Original work published in 1833). Tehran: Maham.
- Niazmand, R. (2004). *Shie dar tarikh- e Iran* [Shia in Iran History]. Tehran: Galam Novin.
- Petrushevski, I. P. (1975). *Islam in Iran*. Translated from Russian by Keshavars, K. Tehran: Payam Publishing.
- Rahbar Ganjah, T. (2003). *Naqsh- e asmae motebareke bar sekeha- ye Islami* [Motives of name of God in Islamic period]. *Kayhan Farhangi*, (202): 42-45.
- Safadi, Y.H. (1978). *Islamic Calligraphi*. London: Thames and Hudson. (Original work published in 1978).
- Salooti, R. (2002). *Everlasting heritage*. Tehran: Ganjineh Farhang.
- Shaheedi, S. J. ((2008). *Zendegi- ye Fateme Zahra* [Life of Fatimah Zahra (sa)]. 5th edition. Mashhad: Office of Islamic Culture Publishing.
- Yussef Jamali, M. K. (1993). *Tashkil- e dolat- e Safavi va tamin-e mazhab- e shie davazdah Imami be onvan- e tanha mazhab- e rasmi* [Founding of Safavi dynasty and establishing shia twelve Imami as the only recognized religion]. 1st edition. Isfahan: publishing and cover of Isfahan.

Sangabs (Lavers) of Isfahan, The sacred Shia art

Effatolsadat Afzaltousi*
Nasim Mani**

Abstract

The Safavid dynasty established the Twelver school of Shia Islam as the official religion of their empire and this gave Shia Muslims a chance of expressing their Islamic views, even through arts. Notable for this era was a renewed attention to Ashura as an inevitable part of Shia culture.

Ashura is respected by Shias throughout the world as a day of mourning. It marks the anniversary of the martyrdom of Imam Hossein (AS), the third Shia Imam and the grandchild of Prophet Mohammad (SA), together with 72 of his companions in a famous battle in Karbala desert, now located in Iraq, in the seventh century. In fact, Ashura has had a great influence on Shia culture across history. Interestingly, it has now become customary for followers of other faiths to join Shias in Ashura mourning rituals.

The influence of Ashura on Safavid dynasty and Isfahan, the most important capital of the dynasty, was quite dramatic. An example of this influence may be using Sangabs (lavers) in mosques and passages of cities, in which some of the deep rooted Islamic arts such as poetry, calligraphy and carving were featured with Ashura being their main theme.

The present paper has conducted a comparative analysis over the lavers of Isfahan which have remained from Qajar and Safavid eras to determine the influence of Ashura culture.

Fifty four lavers in Isfahan, mostly from the Qajar dynasty, were studied and 39 of them contained inscriptions and designs on Ashura.

The investigations began with lavers remaining from the era of Shah Safi I (1038-1052) in the Jameh mosque of Isfahan. It should be mentioned that the lavers from the Safavid era date back to the seventeenth century and the lavers from the Qajar era date back to early nineteenth century.

Lavers were made in order to appreciate Ashura. They were also meant to remind the Shias of the martyrs of Karbala. In fact, the lavers were used during the Safavid and Qajar eras to carry the messages of Shia religious art and to keep the memories of Karbala alive. They were also a means to preserve the spirit of sacrifice and virtuous deeds among Shia Muslims.

Studies show that the lavers in Isfahan contain many beautiful patterns and decorative calligraphies. They are great representatives of the sacred art of Shia Islam. Calligraphic decorations are the main patterns carved on the lavers and most of them are written in Nastaleeq script and some of them are in Thulth script. The main subjects of these scripts are sometimes a poem about Ashura or the name of the laver's donator.

This article investigates and introduces the features and characteristics of Isfahan lavers as examples of the religious art of Shia Islam as well as the contributions of Ashura to Shia art.

Keywords

Lavers of Isfahan, Water, Shia, Ashura culture.

*. Ph. D. in Art And Design. Faculty of Arts, Alzahra University, Tehran, Iran.
Afzaltousi@hotmail.com.

** M. A. in Graphic. Faculty of Arts, Alzahra University, Tehran, Iran
nasim_martist@yahoo.com